

دنیای مجازی

هیچ مگو

دکتر سایمک بهرام پرو

امیرحسین نیکزاد، شاعر جوانی است که در ویلاگش لحظه‌های شاعرانه‌اش را با ما قسمت کرده است. شعر نیکزاد نیز - تا آنجا که نگارنده دیده است - معمولاً غزلی مبتنی بر روایت است. غزلی که امروز از او می‌خوانیم نمونه نسبتاً خوبی از اجرای شاعرانه‌یک روایت کابوس وار و فراواقعی است. در واقع ما در این شعر با فضایی بکت وار روبه‌رویم؛ یک چار دیواری بی‌روزن که راوی، راه برون شدی از آن می‌جوید و ضربه نهایی بیت آخر که هم طنز تلخی دارد و هم پایان بندی مناسبی برای روایت برگزیده از سوی شاعر است. از سوی دیگر، شاعر در همین روایت ذاتا شاعرانه، جزیی نگری‌ها و پرداخت‌های شعری را نیز یاد نبرده است و ما با تصویرسازی‌های شاعرانه نیز مواجه می‌شویم. البته نیکزاد نیز در همه شعرهایش این اجرا را از روایت ندارد و گاهی نمونه‌هایی از پرداخت شاعرانه روایت خطی نیز در آثارش دیده می‌شود، اما در چند نمونه‌ای که در ویلاگ ایشان دیده می‌شود، به نظر می‌رسد تعلق خاطر شاعر بیشتر به روایات ذهنی و فراواقعی است.

یک گوشه‌اش بایست، قدم بردار

- ایک... دو... سه...»

می‌رسی طرف دیگر دیوار روبه‌روت چه نزدیک است در باز نیست تاپری با سر تلفیقی از سیاهی و خاموشی دنیای پشت پنجره تاریک است یا ناخست بکش به تن دیوار، یک پنجره به منظره‌ای بهتر آویخته است از وسط سقش مثل سری بریده چراغی زرد دور و برت نشسته به خوخواهی دیوارها، چهار زن بی‌سر - «فقل است در...؟ نه نیست»

نمی‌دانی دور اتفاق یکسره می‌چرخد هرگز به دستگیره نتردی دست، از ترس این که قفل نباشد در...»

این شعر در میان مخاطبان نیکزاد نیز بازخوردهای متعدد و مختلفی داشته است. حمیدرضا شکارسری معتقد است: تنها کاراکتر زنده شعر در بلاکتلیفی، اتاق در بلاکتلیفی، حتی زبان این غزل در بلاکتلیفی است اما تکلیف غزل به خاطر همین بلاکتلیفی‌ها روشن است!

پایان بندی شعر هم فوق العاده است؛ به خاطر تعلیقی که از بلاکتلیفی کل شعر تبعیت دارد و آن را به سرانجامی مناسب می‌رساند، با تغییر لحن خواندن شعر، معنا متفاوت می‌شود و این پایان، باز به میل خواننده بسته می‌شود و این یعنی اجازه مشارکت در بازسازی شعر به مخاطب. بنده کمی با ضرورت ذکر تاریکی دنیای پشت پنجره و وجه شبه دیوارها با زبان بی‌سر مشکل دارم.

اما آزاد دل هم فکر می‌کند: این شعر می‌تواند دستمایه نقد روان‌شناسانه خوب باشد و ایلشن جلاسی هم شعر را قابل تامل می‌داند و فضای کار را تا حدودی کبشبه شعرهای سعید میرزایی و حتی قبال تیر از آن، نوذر پرنگ معرفی می‌کند.



زاینده‌رود

زینب چوقادی، شاعر جوانی است که در ویلاگش با همین نام زاینده‌رود ما را به جشن وازگان خود می‌برد. چوقادی بیشتر غزلسر است؛ هر چند در قالب‌های دیگر نیز تجربه اندوخته است. مهم‌ترین ویژگی فرمی غزل‌های چوقادی، روایت‌است. به‌نظر نگارنده، روایت در شعر اصولاً به سه گونه نمود می‌یابد: روایت یک اتفاق زلال با تمهیدات شاعرانه، روایت یک‌اتفاق شاعرانه‌و در نهایت روایت شاعرانه از یک اتفاق شاعرانه. جای گسترش دادن این بحث در این ستون مختصر نیست، لذا تنها به همین بسنده می‌کنم که شعرهای چوقادی معمولاً در حیطه دسته اول هستند؛ یعنی ارائه شاعرانه یک روایت خطی. به عبارت بهتر، روایتی که محوریت غزل را شکل می‌دهد یک روایت زلال است که با اجرای جزمنگرنانه و استفاده از ابزارهای شعر نظیر تصویرسازی و استعاره و... خلاصه تمامی صنایع شعری جامعه شعر پوشیده است. مثلاً در غزلی که خواهید خواند، روایت دلتنگی‌های شاعرانه‌ای محور شعر است که تنهایی خودرانی می‌سراید. در خودروایت یک‌اتفاق فراواقعی نمی‌افتد بلکه شاعر به کمک تمهیدات گوناگون شعری، فضا را شاعرانه می‌کند.

زبان شعر چوقادی، روان و صمیمی است؛ هر چند گاه به گاه اجراهای زبانی نیز در غزل‌هایش دیده می‌شود اما حسن کار اینجاست که معمولاً این اجراها چنان است که اولاً دارای ضرورت درون‌متنی است و از سوی دیگر، به روانی بیان آسیب نمی‌رساند. همچنین جزه‌نگری‌ها و عاطفه زنانه در شعر چوقادی موج می‌زند؛ زنانگی مستتری که خود را در عرصه واژه به رخ نمی‌کشد، بلکه معمولاً در زیر ساخت اتفاق می‌افتد.

شعر چوقادی را در حالی امروز در «دنیای مجازی» می‌خوانید که علیرضا بدیع در پیامی بر این شعر، از دیر به روز شدن ویلاگ او گلاجه کرده و نوشته است: آمده بودم که شعر تازه ببخوانم اما...

سکوت نیمه شبش را کشت، جرنگ جینگ‌النگوهاش شکست با خم لرزانی هلال نازک ابروهاش و رفت ساکت و پاورچین سراغ دفتر و خودکارش نوشت: - این منم آری من! که مرده‌اند هیاهو هاش - نوشت: - این منم آری من، زن سیاه و سپید و سرد - و سر گذاشت پریشان بر ستون خسته زانوهای نوشت: - این شیخ برقی بعید نیست فروز ریزد که مثل زلزله می‌لرزد شبانه در تب بازوهاش - شبیه قاین تنهایی میان یک شط طوفانی که تازه کم شده در امواج سرد مده زده پاروهاش ... و بعد کاغذ شعرش را مجاله کرد و به سطل انداخت کشید شانه انگشتی میان نقره‌ای موهانش سکوت نیمه شبش را کشت، جرنگ جینگ‌النگوهاش جرنگ جینگ‌النگوهاش، جرنگ جینگ‌النگوهاش...

برای شکستن



در ادامه پیشنهاد تشکیل باشگاه شعر جوان جام‌جم که هفته پیش در همین صفحه مطرح شد، امروز بخش اصلی این صفحه را به آثار دوستانی اختصاص داده‌ایم که آثارشان به دست ما رسیده و از هم‌اکنون عضو باشگاه شعر جوان جام‌جم هستند. باشگاهی که قرار است تبدیل به یک

سفر بخیر

دوباره بی‌دل و بی‌صبر و بی‌نمک شده‌ام درست می‌گویی شکل آدمک شده‌ام زمین مرده تنم را نمی‌کشد در خویش اسیر جاذبه گردش فلک شده‌ام دلم شکست و نشد مثل روز اول، صاف دچار سکنه قلبی، دچار شک شده‌ام «سفر بخیر» بگو صبح می‌رود با باد رفیق نیمه شب هر چه قاصدک شده‌ام دلم چقدر شده باز و بسته این مدت شبیه دایره توی مردمک شده‌ام مرا کنار غزل‌های انبیا بپرید چقدر عاشق صحرا و نی لیک شده‌ام زمانه مثبت به من زد گذشت و یادم رفت دوباره محتاج سیلی و کتک شده‌ام بگو تمام نویسنده‌ها قلم بزنند که با مجله قلب تو مشترک شده‌ام

میم امانی - سیرجان

برای شکستن

... کوه می‌شوی ابرهای جهان شاه‌های تو را نوازش شوند گاهی فکر می‌کنی کوه‌ها؛ اندام ظریف ساقه گل‌ی درخت‌ها؛ آهوان خیره در زیبایی گاهی فکر می‌کنی گاهی هزار سال... جوان می‌شوی گل می‌شوی پرند می‌شوی... گاهی کوه می‌شوی در سینه رازی؛ نه! شور آوازی، نه! شوق پروازی؛ نه! xxx گاهی فکر می‌کنی حالا دریا که هیچ! کاشکی کوهی بودی سنگی... برای شکستن آوازی شنیدن رازی...

علیرضا حکمتی - کرمانشاه

معجزه

من فکر می‌کنم که شما باز آمدید تا وا کنید قفل مرا مثل یک کلید با چشم‌های روشن و اعجاز دست‌هاست با رنگ‌های نقره‌ای و آبی و سپید از آفتاب، از گل شب‌بو و از بهشت بر بوم روح من ز خدا طرح می‌زنید خورشید می‌کشی و پر از نور می‌شوم تو لاله می‌کشی و دلم می‌شود شهید دریا و رقص‌های پری، ماهیان پاک من سناکم به گوشه نقاشی جدید می‌آفرینی از من ساکت دوباره عشق‌هی موج می‌زند به دلم عاطفه، امید آن وقت داد می‌زنم از اوج سرخوشی «من امدم به معجزه دست تو پدید»

فاطمه نظری - کرمانشاه

قبیله غریب

فلسطین / ای قبیله غریب ای قبیله نماز نخستین سختی شکیب و در فلاخن فریادمان بنشین تا بر سینه سکوت و ستم جای پای سنگ بماند / برای همیشه...

سید مرتضی دست‌غیب - تهران

کهکشان

چو آبشار قد کشیده سر به زیری‌ات و دست‌های پینه بسته کوبری‌ات لباس کهنه مثل دیگران به قامت ندیده هیچ کس نشانی از امیری‌ات زمین حسود می‌شود و غیظه می‌خورد زمان به زندگی ساده فقیری‌ات به فرس‌های خوب سرزمین فارس، هم

همراه با مخاطبان شعر جوان جام‌جم

اتفاق در شعر امروز ایران شود و پایگاهی باشد برای مطرح شدن شاعران گمنام شهرستانی البته در ادامه همین شعرها و به دلیل محدودیت صفحه، نام دوستان دیگر نیز ذکر شده که در هفته‌های آینده در همین صفحه به آثارشان پرداخته خواهد شد.

استوار قامتی بودم... که حتی مویه خیزان ... مرا به برگ‌ریزی وا نمی‌دارد...
علیرضا ماهری - شاهین شهر اصفهان: آقای ماهری از قدیمی‌های شعر جوان جام‌جم هستند و تاکنون آثار متعددی را برای ما ارسال کرده‌اند. زبان شعر ایشان زبانی مدرن و سلامت است اما مهم‌ترین آسیبی که به این زبان وارد است و به نوعی مشکل اصلی کل شعرهای ایشان محسوب می‌شود، تکرار زیاد واژه‌هایی است که در کلیت شعر نتوانسته‌اند بار شاعرانه پیدا کنند و مصداق همین حرف نیماست، خطاب به شاعری جوان که گفته بود: تو کلمه لوگو متیور را در شعرت آورده‌ای اما شاعرانه از آن استفاده نکردی. واژه‌هایی مانند قطب شمال، تلگراف، کار، ماژلان و... نتوانسته‌اند در ساختار کلی، نقشی شاعرانه و بالاتر از دنیای واقعی اجرا کنند.
علیرضا ماهری کار کواهی دارد که با هم می‌خوانیم:
کنار مسجد الحرام ایستاده‌ام
باز هم خوش قولی کرد و نیامد

مولای شاعران
تنها برای درک عبادت درست شد یک زندگی به سبک شهادت درست شد بر پشت بام خستگی ذهن شاعران تمثالی از همای سعادت درست شد پرگار اقتدا به خداوند را کشید ترسیمی از خضوع و ارادت درست شد اصلاً به احترام وجود مبارک شاعران در خیزش ترنم عادت درست شد در چیدمان ساده و سرسبز قماش اندازه بلند رشادت درست شد آرام در مکالمه چاه عید گذاشت مفهومی از بلوغ عبادت درست شد مولای شاعران، غزل درد را گریست در سینه‌اش ندای شهادت درست شد
سید حمیدرضا شریعتمداری - بروجرد
مثل یکی سایه
از نیمه شب گذشته، زمان زیر پای توست سلطان شب کرشمه اندیشه‌های توست خون هزار قافیه برگردنم نهاد شاعر شهید حادئه در ماجرای توست آمد کنار پنجره با یک بغل نگاه گویی هنوز عاشق شبنامه‌های توست در می‌زند به سادگی یک نسیم پاک این ضربه‌های دست کریم خدای توست در غربت نگون شده آواز آسمان آغاز یک شکفتن دیگر برای توست چیزی هنوز مثل یکی سایه هر سحر در لابه‌لای جنگلی از شعرهای توست
فرح‌الله دهخدا - بندرعباس
جگر
چکه - چکه «جگر» شعری است بر زبان چشمانم مرا لخته لخته بخوان
ابراهیم حسولو - زنجان
دوستان دیگری هم آثارشان را برای شعر جوان «جام‌جم» ارسال کرده‌اند که هنوز شعرشان برای چاپ کامل در صفحه و مطرح شدن دارای مشکلاتی است، در ادامه به بخش‌هایی از آثار آنها اشاره می‌شود:
آرزو کعبه - ساری: خانم کعبه پیش از سال جدید، شعری را به یاد پدرشان که به رحمت خدا رفته‌اند، برای ما ارسال کردند. شعری که از نظر احساس و عاطفه تحسین برانگیز بود اما بشدت شعری تخصصی بود؛ ده سال جدید هم کار دیگری را برای ما ارسال کردند با عنوان «کلبه تنهایی» که پیشنهاد ما برای خانم کعبه این است که مهم‌ترین تفاوت شاعر با دیگر انسان‌ها در نوع نگاه و تماشای او به جهان است. به عبارتی، آنچه شاعر بیان می‌کند، روایت شاعرانه و مخیل او از یک رخداد واقعی است، روایت شاعرانه‌ای از یک عطفه‌ای منفعل؛ هنوز حرمت نگاهت را ستایش می‌کنم نیاز چشمات و پاکی وجودت پیچکی است، در عمق احساساتم ...
سه‌تار خاطرآتما
مدت‌هاست در کلبه تنهایی سکوت می‌کنی.
سجاد مهربان‌نیا - بیجار: اثر آقای مهربان‌نیا همچون نام‌خانوادگی شان لطیف و مهربان‌است. ایشان سطرهایی را پشت‌هم و با فرم نثر و گاهی با فاصله‌گذاری برای ما ارسال کرده‌اند. سطرهایی که اگر چه منقطع و فرم نثر بر آنها حاکم است، اما گاه تا مرز شعر شدن پیش می‌روند مانند:
در این پاییز دل‌مردگی ... من یگانه درخت

شعرشان و دایره‌واژگانی او تا حدودی بوی کهنگی می‌دهد که اگر بتوانند این دایره‌را گسترش دهند و کمی بیشتر از زبان امروز در شعرشان استفاده کنند، قطعاً آثار بهتری از ایشان را در همین صفحه خواهیم خواند:
کسی پشت دروازه در می‌زند دلم در قفس بال و پر می‌زند کسی از فراسوی معیارها قدم در حریم خطر می‌زند کسی بی‌محاپا جو امواج بحر به ساحل نشینان تشر می‌زند...

لیلا اجلی - رشت: آثار خانم تجلی بیانگر این است که ایشان مانند بسیاری دیگر از شاعران جوان که در آغاز راه سرودن هستند سهراب سپهری را بسیار می‌خوانند و از آنجا که شعر سپهری بشدت تاثیرگذار است، کارهایشان چه از نظر فضا و چه از نظر زبان، کاملاً تحت تاثیر این شاعر بزرگ معاصرمان قرار گرفته است. ضمن این‌که سطرهایی از ایشان را می‌خوانیم، پیشنهاد می‌کنیم تا در کنار شعر سهراب، از خواندن و مطالعه آثار دیگر شاعران معاصر غافل نشوند؛ زندگی می‌تواند کم کردن رویاهامان باشد گم کردن پیچ و خم کوچه‌های تکرار زندگی می‌تواند کم شدن باشد در حجم و وسیع بی‌اعتنایی...

اما برسیم به نام دیگر اعضای شعر جوان جام‌جم که آثارشان به دست ما رسیده و قطعاً در هفته‌های آینده شعر آنها را با دربارہ آثارشان مطالبی خواهیم خواند:

علی حسین عزیزی (بروجرد) - علی مدرک (اصفهان) - جمیله عبدی (کرج) - تیمور زمانیان (شاهین شهر) - محمد لیلایی (تهران) - محمد جمالو (تهران) - مهدی حسینی‌نژاد (ایلام) - یاسر فکری (رودسر) - سعید حیدری (ساوه) - رحمت‌الله نصیریور (ماسوله) - صفرعلی رحمانی (آزادشهر) - یوسف عابدی (تهران) - فریبرز غیبی (کوه‌رنگ چهارمحال و بختیاری) - یعقوب ملکی (تبریز) - محمدعلی سپهرافغان (تهران) - نادر دلچای (رشت) - مهناز فتاحی (کرمانشاه) - حسین جنتی (ورامین) - ابراهیم اکبری دیزگاه (قم) - مریم سیفی (تهران) - وحید سرحدی (صحنه استان کرمانشاه) - سیدمحمدحسین ابوترابی (قزوین) - عذرا پوررشید(بابلسر) - حسین ایزدی (تهران) - حمید جهان‌بندیده (تبریز) - سیدمهدی زکیزاده (تهران) - حسام‌الدین صالحی (تهران) - عزت‌السادات نجاتی (رشت) - امیر صالحی (امل) و نغیسه کاظمی (شهرک بعثت).

کارگاه

تپه‌ای فتح نشده

مرکز فرهنگی - هنری نوجوانان تهران هر هفته میزبان جمعی از شاعران جوان است که طی یک نشست جدیدترین شعرهایشان را برای هم می‌خوانند و بررسی می‌کنند. در این جلسه، محمدسعید میرزایی و سعید بیابانکی هم معمولاً حضور دارند. این هفته ۲ شعر از اشعار خوانده شده در این نشست را به همراه نظرات حاضران در جلسه می‌خوانید.

من به بعضی چهره‌ها

من به بعضی چهره‌ها چون زود عادت می‌کنم پیششان سر بر نمی‌آرم، رعایت می‌کنم همچنان که برگ خشکیده نماند بر درخت مایه رنج تو باشم رفع زحمت می‌کنم این دهان باز و چشم بی‌تحرك را ببخش آنقدر جذابیت داری که حیرت می‌کنم کم اگر با دوستانم می‌نشتم جرم توست هر کسی را دوست دارم در تو رویت می‌کنم فکر کردی چیست موزون می‌کند شعر مرا؟ در قدم برداشتن‌های تو دقت می‌کنم یک سلام را اگر پاسخ بگویی می‌روم لذت را با تمام شهر قسمت می‌کنم ترک ایفونی شبیه تو اگر چه مشکل است روی دوش دیگران یک روز ترک می‌کنم

کاظم بهمنی

محمدسعید میرزایی: زبان شعر صمیمانه است تا حدی که تلاش شاعر برای تبدیل صمیمیت به شاخصه زبانی، از نگاه مخاطب پنهان نمی‌ماند.

نکته خوب آن که شاعر با زبانی صمیمانه و فروتانه کشف‌های خود را در رخ مخاطب نمی‌کند، تا هر چه بیشتر صمیمیت را در شعر خود درونی کند.

دیگر آن که شاعر جوان باید بداند سادگی و صمیمیت، تپه‌ای فتح نشده در شعر معاصر نیست. سادگی و صمیمیت اگر در جهان کشف شاعر، رنگی از صدق و حقیقت داشته باشد، تنها نمودی فرورفته در سطح زبان نخواهد داشت.

سجاد عزیزی: به نظر می‌رسد شکلی از «اگر» یا حرف

شرط در مصراع دوم برای تحکیم ارتباط میان ۲ مصراع ضروری است. این کمبود در بیت دوم نیز (مصراع دوم) وجود دارد اما بی‌پیرایگی زبان باعث می‌شود که نیاز به یک حرف «اگر» را در مصراع «مایه رنج تو باشم» نادیده بگیریم. همین بی‌پیرایگی همچنین موجب پوشانیده شدن برخی لغزش‌ها و ضعف تالیف ما همچون آوردن فعل «فکر کردی» به جای «فکر می‌کنی» و با تصرف در قافیه بیت پایانی که تا حدی به سلامت موسیقایی بیت لطمه زده است، اما موفقیت شاعر را نیز در نشان دادن طیف‌هایی از شاعرانگی، با زبانی ساده نمی‌توان نادیده گرفت.

آهنگ پیشواز ایرانسل... یک سرگرمی و یک فناوری نوین!

۵۰٪ تخفیف ویژه آهنگ پیشوازا

برای شروع یک پیام کوتاه بدون متن از خط ایرانسل خود به ۷۵۷۵ ارسال کنید!

www.francell.ir

۳ اردیبهشت... ۵۰٪ تخفیف ویژه آهنگ پیشوازا

تمامی مشترکین ایرانسل می‌توانند فقط در روز ۳ اردیبهشت، آهنگهای پیشوازا را بخواه خود را با ۵۰٪ تخفیف ویژه خریداری نمایند.

آهنگ پیشوازا چیست؟
با استفاده از سرویس آهنگ پیشوازا ایرانسل، صدای یوق آهنگی را برای کسانی که با شما تماس می‌گیرند، مطابق میلان به یک قطعه موسیقی با آهنگ خاص تغییر می‌دهد.

روشهای سفارش آهنگ پیشوازا

۱. سیستم پیام کوتاه (SMS): شما می‌توانید تنها از طریق پیام کوتاه، آهنگ موردنظرتان را سفارش دهید. برای این کار، که مربوط به هر آهنگ پیشوازا در یک پیام کوتاه از خط ایرانسل خود به شماره ۷۵۷۵ ارسال کنید.
۲. سیستم صدای بستل (USSD): برای سفارش آهنگ از این طریق، کافیست با شمارهگیری کد ۷۷۷۷، به سرویس آهنگ پیشوازا وارد شده و برآیند آهنگ موردنظرتان را انتخاب کرده و سفارش دهید.
۳. شبکه اینترنت (WWW): برای روش کافیست از طریق رایانه، اپ تلپ و... به سایت www.francell.ir وارد شوید و با وارد کردن «کد کار» و «رمز ورود» مخصوص خود که از طریق سایت ویزیت فایل تهیه شده، به آهنگ موردنظر خود وارد شده و خود آهنگ‌های مورد نیاز خود را گزین کرده و به صورت فایل از بیان صدای آهنگ خود، آهنگ سفارش داده و برای انتخاب کنید.
۴. برای دریافت رمز ورود یک پیام کوتاه متن از خط ایرانسل خود به ۷۲۰ ارسال کنید.

یادداشت‌های مهم برای آهنگ پیشوازا شما:
۱. آهنگ برای تمام تماس‌های شما در حالت پیش‌فرض فعال است.
۲. این حالت به صورت پیش‌فرض برای شما تنظیم شده است. حالت کنید که در حالت پیش‌فرض آهنگی، حتی اگر چند آهنگ خریداری کنید، همچنان فقط اولین آهنگ برای تمامی تماس‌های شما در حالت خود فعال می‌ماند. برای تغییر حالت آهنگ خود به ترتیب زمان خریداری، بعد از اقدام سفارش آهنگ قبل و یا با حذف آهنگ قبل، فعال خواهند شد.
۳. هر تماس‌گیرنده بعد از آهنگ ویژه، حالت پیش‌فرض آهنگی را دریافت خواهد کرد.
۴. اگر پیش از یک آهنگ خریداری کرده‌اید، می‌توانید با ارسال کد ۷۲۰ به ۷۵۷۵ به صورت یک پیام کوتاه، حالت چند آهنگی را انتخاب کنید. در این حالت می‌توانید با ورود به سایت ایرانسل، سرویس آهنگ پیشوازا خود را طوری تنظیم کنید که برای تماس‌های مختلف و زمان‌های متفاوت یک یا چند آهنگ، متنوع به صورت تصادفی پخش شود.

عنوان	کد	آهنگ سفیده	سفر همراه	سفر همراه	سفر همراه
اسفند چوبونگ	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲
گلزار فروری	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲
سره نوزهار چهره	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲
ماه مسک	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲
تشتیک	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲
لگسکین	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲
از کعبه تا راین	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲
فصل بهار	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲
یوسف پیامبر	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲
بهار بهار	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲	۲۲۱۲۲

ایرانسل
سرویس صدای بستل سفارشی سال ۱۳۷۷ به انتخاب مشتریان ویژه جوینان هنری ایران (ایران MTN)